

به نام خدا

تحقیق درس انقلاب اسلامی . استاد کریمی والا

نیم سال دوم سال تحصیلی ۱۳۹۳ . ۱۳۹۴ دانشگاه قم

گردآورنده : مرتضی آقاییگی

نظریه جیمز دیویس و منحنی [جی]

جیمز دیویس از جمله نظریه پردازان غربی است که به

تئوری [اقتصاد عامل انقلاب] معتقد است .

او نظریه خود را درباره انقلاب این گونه عنوان می کند که :

احتمال وقوع انقلاب زمانی است که مدت طولانی از توسعه

عینی اقتصادی و اجتماعی توسط یک دوره کوتاه مدت عقب

گرد سریع دنبال شود .

اگر دورانی طولانی از رفاه وجود داشته باشد که طی آن این انتظار ایجاد شود که می توان

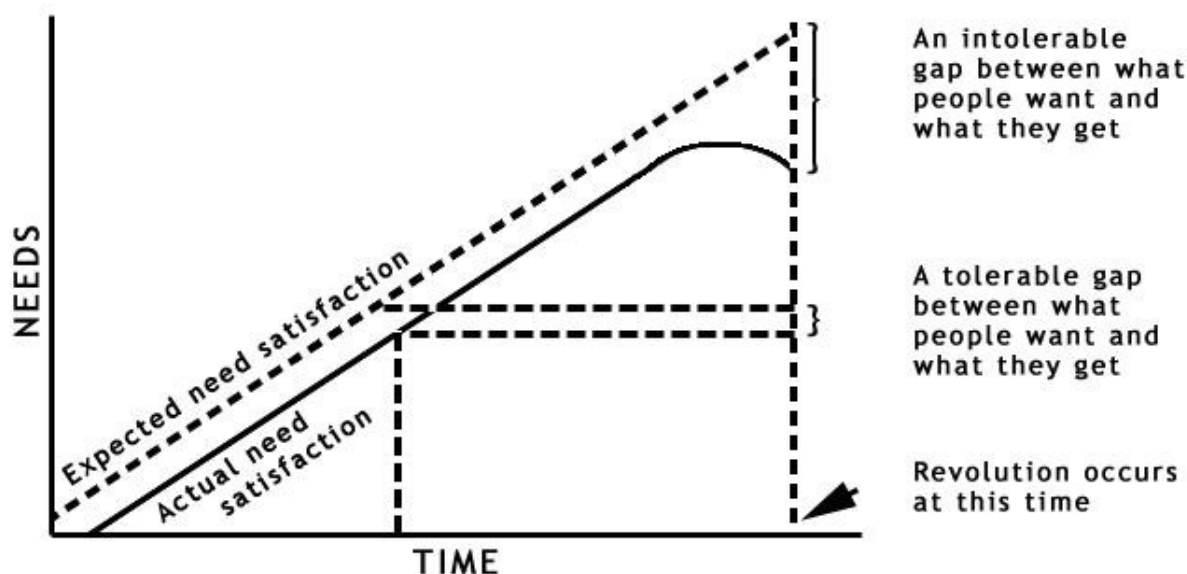
نیازهایی را به طور دائم برآورد ساخت و بعد دوره ای از افول پیش بیاید که فرد را سر

خورده کند . شکاف وسیعی میان آن چه که مردم می خواهند و آنچه که به دست آورده اند

شکل می گیرد بین انتظارات و واقعیات شکاف هست و در چنین شرایطی انتظارات کما کان

رو به رشد است و افول ناگهانی باعث می شود شکاف غیر قابل تحمل ایجاد گردد و این

موضوع نهایتاً موجب انقلاب می شود . او این شکاف را به شکل منحنی می داند . به عبارت



دیگر جیمز دیویس معتقد است بالا رفتن توقعات اقتصادی مردم به دنبال یک دوره پیشرفت اقتصادی و رکودی که پس از آن بوجود می‌آید باعث آن می‌شود که مردم از اوضاع به طور ذهنی بیمناک شوند و روحیه انقلابی پیدا کنند.

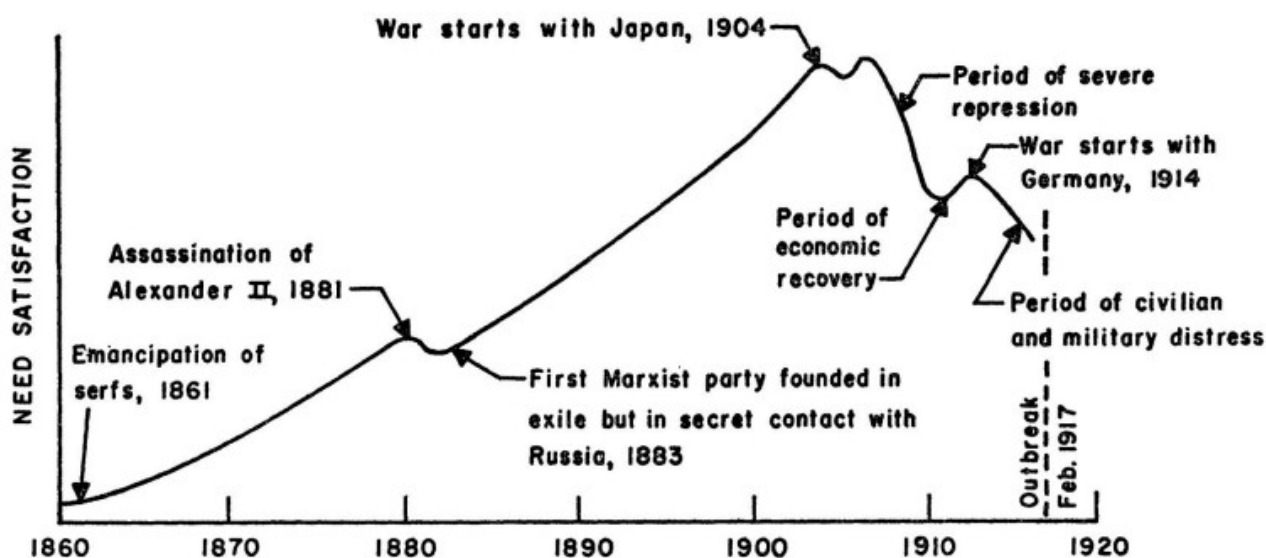
او در کتاب تحولات به سوی تئوری انقلاب خود می‌نویسد قبل از رسیدن به راس منحنی بیشتر به معنای افزایش امکان تشنج و بی‌ثباتی می‌باشد.

او با اشاره به منحنی [جی] نتیجه می‌گیرد که انقلاب‌ها به احتمال بسیار زیاد هنگامی واقع می‌شوند که به دنبال یک دوره طولانی پیشرفت‌های عینی اقتصادی، اجتماعی، یک دوره کوتاه بر خلاف دوره قبلی پدید می‌آید. در این هنگام مردم نگران و وحشتزده می‌شوند و رو به شورش و انقلاب می‌زنند.

عده‌ای از پژوهشگران و نویسندگان داخلی و خارجی سعی کردند انقلاب اسلامی ایران را بر اساس این نظریه تحلیل و تفسیر کنند به این معنا که افزایش سریع و ناگهانی بهای نفت منابع سرشار مالی جدیدی را در دهه بین ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ در اختیار پیشرفت اقتصادی ایران قرار داد. این درآمدها به قدری زیاد بود که ایران مدعی بود از بالا ترین میزان رشد اقتصادی در جهان برخوردار است.

معتقدان به این نظریه می‌گویند این درآمدها باعث رونق اقتصادی و به دنبال آن رفاه، آسایش و بالا رفتن سطح زندگی مردم ایران شد. اما به یکباره در سال ۱۹۷۵ تولید نفت ۲۰ درصد کاهش یافت و شرایط غیر عادی را بر ایران تحمیل کرد مردمی که به شرایط رفاه و رونق اقتصادی عادت کرده بود یکباره با کاهش تولید و قیمت نفت نوعی نا رضایتی را در جامعه ایجاد کردند که در نهایت این نا رضایتی به سرکوب رژیم منجر شد.

جیمز دیویس پس از اشاره به نظرهای متفاوت آلکسی دو توکویل [نقش بهبودی شرایط در



انقلاب ۱۹۱۷ روسیه

وقوع انقلاب ۱ و مارکس ۲ نقش تنزل شرایط در وقوع انقلاب ۱ این پرسش را پیشرو میگذارد که آیا انقلابها زمانی که رشد اقتصادی اجتماعی باشد اتفاق می افتند ، یا زمانی که تنزل و عقب گرد باشد ؟

او سپس چنین پاسخ می دهد : احتمال وقوع انقلابها ، زمانی است که مدتی طولانی از توسعه عینی اقتصادی و اجتماعی ، توسط یک دوره کوتاه مدت عقب گرد سریع دنبال شود . توسعه طولانی باعث افزایش انتظارات می گردد و رکود کوتاه مدت سبب ایجاد فاصله غیر قابل تحمل بین انتظارات و دریافتها و در نتیجه وقوع انقلاب می شود .

وی در ادامه می گوید : ثبات و بی ثباتی سیاسی در نهایت به وضعیت فکری در جامعه وابسته است . وجود نارضایتی ، انقلاب را می سازد نه شرایط قابل لمس ، عرضه کافی یا ناکافی غذا، برابری و آزادی . مردم راضی یا بی تفاوت که از نظر کالاها ، موقعیت و قدرت فقیرند می توانند از نظر سیاسی ساکت باقی بمانند و مخالفان ایشان سر به شورش بردارند . به همین صورت و با احتمال قویتر ، فقیران ناراضی می توانند دست به اغتشاش بزنند و ثروتمندان راضی با انقلاب ، مخالفت نمایند . در واقع باید بین مردم ناراضی محروم که از نظر میزان رفاه و موقعیت عینی متفاوت اند اتحادی برقرار شود .

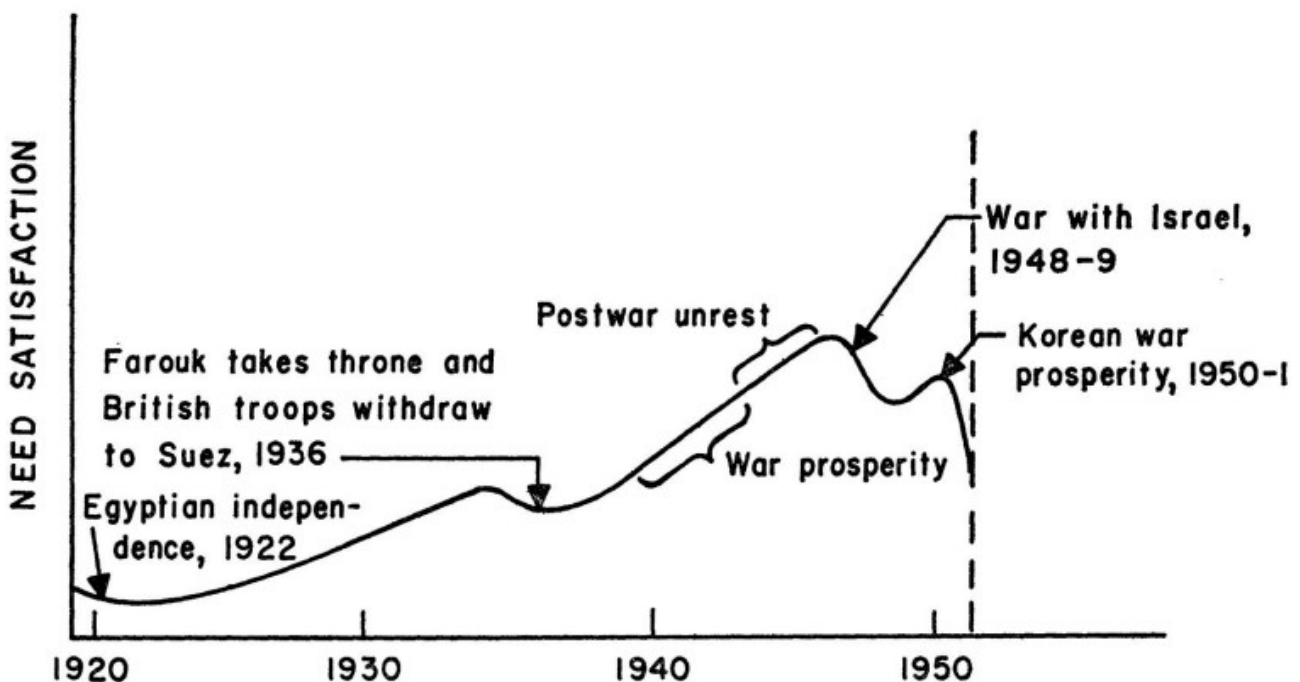
دوران طولانی رشد و شکوفایی بعلاوه دورانی کوتاه از رکود سریع انقلاب .

فاصله غیرقابل تحمل

انتظارات ۱ ارضای نیاز مورد انتظار ۱

فاصله قابل تحمل دریافتها ۱ ارضای نیاز واقعی ۱

زمان وقوع انقلاب



انقلاب ۱۹۵۲ مصر

جیمز دیویس سپس سعی کرده انقلاب‌های امریکا، فرانسه، روسیه و مصر را با منحنی ۱۱ جی تطبیق دهد.

طبق نظریه دیویس، اگر جامعه‌ها برای مدتی نسبتاً طولانی دست‌آورد‌هایی اجتماعی. اقتصادی داشته باشد و سپس کسب آن‌ها با رکود سریع مواجه شود، آن جامعه دست به اغتشاش خواهد زد. در این رابطه باید گفت هرچند چنین امری نیز ممکن است گاه باعث شورش یا انقلاب شود. البته در این صورت نیز نمی‌توان نقش سایر عوامل را نادیده گرفت. اما جوامع از نظر روحیه عمومی، ویژگی‌های فرهنگی، سابقه تاریخی و... با یکدیگر متفاوت اند، بنابراین ممکن است مسیرهای متفاوتی در جریان وقوع انقلاب‌ها یافته شود. از سوی دیگر، مفاهیم موجود در نظریه جیمز دیویس مبهم و تعریف نشده هستند. به عنوان مثال، وی نمی‌تواند فاصله غیر قابل تحمل بین دریافت‌ها و انتظارات، دوره طولانی مدت افزایش انتظارات و واژه محروم در اینجا به معنای فقیر نیست، بلکه کسی است که قبلاً در دوره رشد اجتماعی. اقتصادی دست‌آورد‌هایی داشته و در دوره رکود سریع در این زمینه با مشکل مواجه شده است.

دوره کوتاه مدت محرومیت را تعریف کرده، حیطة و ویژگی‌های آن‌ها را مشخص نماید. عدم وجود تعریف دقیق از مفاهیم فوق، باعث شده است؛ دیویس آخرین فاصله بین انتظارات و دست‌آورد‌ها را فاصله غیر قابل تحمل که به انقلاب می‌انجامد بداند. این امر از یک سو، به توان پیش‌بینی نظریه لطمه می‌زند و از دیگر سو، راه را برای توجیه مواردی که دچار فاصله زیادی بین انتظارات، دست‌آورد‌ها شده و به انقلاب نینجامیده‌اند، باز می‌گذارد. کسانی که با تطبیق انقلاب ایران با منحنی ۱۱ جی موافق اند، می‌گویند روند نوسازی در ایران که از سال‌ها قبل از انقلاب آغاز شده بود، نقطه شروع افزایش انتظارات در ایران است که بعدها با افزایش بهای نفت بر میزان برخورداری‌های عمومی از این روند افزوده می‌شود. اما در سال‌های آخر به ناگاه به دلایلی مانند زمستان معتدل در اروپا و در نتیجه کاهش بهای نفت، رکود گریبان جامعه را می‌گیرد، فاصله غیر قابل تحمل رخ داده، انقلاب می‌شود. این تفسیر می‌تواند در روشنگری برخی زمینه‌های وقوع انقلاب اسلامی مورد استفاده قرار گیرد در عین حال ماهیت مذهبی انقلاب ایران با روند ذکر شده فوق در تعارض است.

مبارزه طولانی ضد فرهنگی رژیم شاه نیز این فرضیه را مخدوش می‌سازد. اگر این مبارزه صورت نگرفته و برعکس آن، همراهی‌های طولانی مدتی صورت پذیرفته و سپس در سال‌های انقلاب به سرکوبی کسانی که دارای این ایدئولوژی بودند پرداخته شده بود،

می توانستیم جایی برای تطبیق انقلاب اسلامی با منحنی J جی ۱۱ بیابیم . از سوی دیگر، سرکوبی سیاسی شدید در زمان رضاشاه و پسرش که توسط نیروهای پلیس ، ساواک J در زمان دومی ۱ و غیره صورت گرفت و مدتی نسبتاً طولانی ادامه یافت ، با قسمت اول فرضیه دیویس مغایر است .

همچنین هرچند جدول تولید ناخالص ملی که بیانگر رشد درآمد ملی کشور در دهه های ۴۰ و ۵۰ شمسی است و مورد استناد معتقدین به تطبیق انقلاب اسلامی با منحنی J جی ۱۱ قرار می گیرد ، اما مشکل این جدول این است که چگونگی توزیع این درآمد را نشان نمی دهد . یک ارزیابی نشان می دهد که براساس میزان هزینه های مصرفی ، درآمد طبقه بالای اجتماع J ۲۰ درصد بالا ۱ از حدود ۵۱ درصد در سال ۱۹۶۰ به حدود ۵۶ درصد در سال ۱۹۷۵ رسیده است درحالی که طی همین مدت سهم طبقه پایین جامعه J ۴۰ درصد پایین ۱ از حدود ۱۳ درصد به حدود ۱ درصد کاهش یافته است .

به علاوه ، هزینه مصرفی سرانه شهری ها از ۱۴۹۲۳ ریال در سال ۱۹۵۹ به ۴۰۷۸۹ ریال در سال ۱۹۷۶ فزونی یافته است درحالی که در همین مدت این امر در مورد روستائیان . که اکثریت جمعیت کشور را تشکیل میدادند . از ۷۰۱۲ ریال به ۱۰۷۰۶ ریال رسیده است . نمودار نرخ رشد تولید ناخالص ملی به این مطالب باید نرخ تورم سالانه به ویژه در سال هایی که قیمت نفت افزایش یافته بود و گاه به ۴۰ تا ۵۰ درصد می رسید، را نیز اضافه کنیم .

حال اگر با توجه به جدول رشد تولید ناخالص ملی بگوییم که یک بهبودی طولانی مدت در شرایط زندگی مردم در کشور رخ داده بود ، با دقت در اطلاعات همین جدول درمی یابیم که فاصله و شکاف ایجادشده قوی نیست و نمی تواند غیر قابل تحمل خوانده شود .

منبع :

<http://library2.tebyan.net/fa/Viewer/Text/49348/81>

نمودارها :

<http://www.popularsocialscience.com/2013/04/17/james-c-davies-j-curve-theory-of-revolutions/>

تحقیق درس انقلاب اسلامی . استاد کریمی والا

نیم سال دوم سال تحصیلی ۱۳۹۳ . ۱۳۹۴ دانشگاه قم

گردآورنده : مرتضی آقاییگی

این پرونده در نرم افزار لیب رآفیس تحت سیستم عامل لینوکس مینت تولید شده است .